



خود دچار تضاد و تناقض شده و نه تنها نسبت به دیگران احساس کمبود می‌کند بلکه خصایص و ویژگی‌های برجسته خود را نیز به مرور از یاد خواهد برد. پس با درک معنای عمیق و مهم کودک محوری که در نتیجه پذیرش خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد و تشخیص توانایی‌ها و عدم توانایی‌های فردی هر کودک در مقایسه با خود اوست، می‌توان امروز و فردایی بهتر را برای کودکان رقم زد چرا که رعایت اصل کودک محوری می‌تواند زمینه ساز رشد بهتر و احساس رضایت‌مندی کودک از خانواده، تحصیل، بازی، فعالیت‌های اجتماعی، شغل و دیگر انتخاب‌های زندگی‌اش گردد.

فرزند سالاری یا کودک محوری

سوری مقدم

اما آنچه که امروز به معضلی فراگیر در خانواده‌ها تبدیل شده است و شاید در نتیجه عدم درک صحیح از مفهوم کودک محوری صورت گرفته باشد، پذیرش و گسترش مفهوم فرزند سالاری در خانواده است که به اشتباه جایگزین کودک محوری شده و در بسیاری از موارد خانواده‌ها را دچار مشکل و بحران نموده است. اینکه امروز می‌شنویم پدر و مادرها از عدم توانایی کنترل رفتار کودکان گلهمند هستند و به عبارتی تمام برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های خانواده حول نیازها و انتظارات کودک می‌چرخد و دیگر پدر و مادرها حتی از کنترل و مهار رفتار و کنش‌های کودک دو ساله خود، عاجز هستند نتیجه چیزی نیست به جز درک ناصحیح از مفاهیمی همچون کودک محوری، توجه به کودک و نیازهای روحی و روانی او و دامن زدن ناآگاهانه به پدیده فرزند سالاری. پدیده‌ای که موجب شده در نتیجه آموزش‌های نادرست به والدین، بچه‌ها هر روز پرخاشگرت‌تر، ناراضی‌تر و به عبارتی لوس‌تر از قبل شوند. و در این شرایط مادران جوان بسیاری که خواستار شیوه‌های تربیتی نوین و اهمیت بخشیدن به کودکان خود در دنیای امروز هستند، از اعمال کوچک‌ترین فشار و ایجاد محدودیت برای کودکانشان احساس عذاب وجدان می‌کنند. امروزه مراکز مشاوره مملو از مادرانی است که تحمل کوچکترین مخالفت و گریه و ناراحتی کودکانشان را نداشته و در تمام موارد حق را به فرزندان خود داده‌اند به خیال اینکه توجه به خواسته‌های کودک

باید با در نظر گرفتن توانایی‌ها، نیازها و علایق همان کودک خاص برنامه‌ریزی شود. زیرا تجربه نشان داده که عدم درک و دریافت صحیح والدین از نیازها و علایق کودکانشان، آینده آنها را تحت‌الشعاع قرار داده و موجب می‌شود که حتی در صورت توفیق و کسب موفقیت‌های ظاهری و برخورداری از موقعیت اجتماعی مناسب، فرد احساس رضایت خاطر درونی نداشته و به عبارت بهتر فردی شاد محسوب نشود. ضمن اینکه در

منظور از کودک محوری، این است که علایق، نیازها و توانایی‌های کودک اساس برنامه‌ریزی قرار گیرد و طبیعی است که ارائه خدمات صحیح و مناسب در سالهای آغازین زندگی یک کودک زمینه‌ساز رشد و یادگیری او در دوران تحصیل و تحقق حقوق او در آینده می‌باشد

بسیاری از موارد فرد از همان دوران کودکی دچار احساس بی‌کفایتی شده و پنداشت نادرست و سرکوب شده‌ای از خود خواهد داشت. اینکه شما کودک هنرمند و آرام‌تان را به شرکت در بازی‌های خشن و مبارزه‌های رزمی تشویق کنید، او در درون

در دنیایی که تبلیغات، رسانه‌ها، گروه‌های مختلف هنری و حتی برنامه‌های تلویزیونی به میزان زیادی بر افکار و رفتار توده جامعه به ویژه جوانان تاثیرگذار هستند و به نوعی افراد را تحت سلطه و تاثیر مستقیم خود قرار می‌دهند شاید چندان عجیب نباشد که با ورود جریان مدرنیته و امواج روشنفکری همراه با تبلیغاتی که توجه به کودک و ارج نهادن به مقام او را دست مایه شعارهای امروزی قرار داده‌اند، تربیت و پرورش کودک، گاه از مسیر کارشناسی و حقیقی خود خارج شود. به طوری که امروز نظرات غیر تخصصی و عوام‌گرایانه در بسیاری از موارد جایگزین دانش روز و شیوه‌های کارآمد و نوین تربیتی گردیده است و این گونه است که امروز بسیاری از پدر

و مادرها با مشکلاتی از قبیل عدم توانایی کنترل رفتار کودکان، پرخاشگری و افزایش اضطراب در کودک مواجه هستند.

اما مسأله‌ای که باید به آن توجه داشت و امروزه بسیار در مورد آن صحبت می‌شود، پدیده فرزند سالاری و تفاوت‌های آن با کودک محوری است که در اکثر مواقع به اشتباه جایگزین یکدیگر می‌شوند. کودک محوری، مقوله‌ای است که به ویژه در سالهای اخیر یونیسف بر آن تاکید بسیار داشته و سعی در گسترش آن در جوامع نموده است. از جمله اینکه در آموزش‌های پیش دبستانی تاکید بر کودک محوری اهمیت به سزایی دارد. منظور از کودک محوری، این است که علایق، نیازها و توانایی‌های کودک اساس برنامه‌ریزی قرار گیرد و طبیعی است که ارائه خدمات صحیح و مناسب در سالهای آغازین زندگی یک کودک زمینه‌ساز رشد و یادگیری او در دوران تحصیل و تحقق حقوق او در آینده می‌باشد. کودک محوری یعنی اینکه والدین به استعدادها، روحیات و نیازهای کودک خود آگاهی داشته و زمینه را برای رشد و پرورش او فراهم نمایند. مثلاً اگر پدر و مادری به این آگاهی برسند که کودکان توانایی ویژه‌ای در نقاشی کردن دارد و او را به این جهت سوق داده و از وی نخواهند که در آینده دکتر شود می‌توان گفت اصل کودک محوری رعایت شده است. در واقع معنای صحیح کودک محوری این است که: در آموزش‌ها و انتظاراتی که از هر کودک داریم

مهارت‌های زندگی

فرصتی برای تولد دوباره □ ۲۴

مدیریت زمان □ ۲۶

ناتوانایی‌های یادگیری □ ۲۸

ماه‌ی و جستجوی دریا! □ ۳۰

از تله اسکرین تا رویانما □ ۳۲



به معنای تسلیم در برابر تمامی خواسته‌های اوست. در حالی که لحاظ کردن چنین شیوه‌های لطامت جبران‌ناپذیری بر پیکره آینده کودک وارد خواهد آورد و موجبات ایجاد عقده روانی در فرد و اختلالات روحی برای او خواهد شد. چرا که چنین کودکی یاد می‌گیرد با بیان هر خواسته‌ای در اسرع وقت آن را تامین شده ببیند و در غیر این صورت سرکوب و محدودیت ایجاد شده به افسردگی فرد منجر خواهد شد.

در حقیقت فرزندسالاری به این معنی است که کودک، تصمیم‌گیری‌ها، خواسته‌ها و رضایت او کانون توجه خانواده قرار گیرد و به عبارتی تمایلات فرزندان محور اصلی فعالیت اعضای خانواده و زمینه ساز برنامه‌ریزی‌های زندگی حتی والدین گردد. روانشناسان معتقدند که در چنین خانواده‌هایی خصوصیات مشترکی میان فرزندان وجود دارد از جمله: لوس بودن، زیاده خواهی، خودخواهی، عدم صبر و شکیبایی در مواجهه با مشکلات، رویکرد خشونت‌آمیز، عدم پذیرش ناکامی‌ها و در نهایت احساس خود کم‌بینی در نتیجه عدم توانایی برای رفع نیازهای شخصی و شخصیتی.

پس باید توجه داشت که سپردن عنان خانواده به فرزندان به شیوه ناصحیح و مبتنی بر فرزند سالاری نه تنها آرامش خانواده را بر هم زده و پدر و مادر را دچار تنش و سردرگمی خواهد کرد بلکه بیشترین زیان را متوجه کودکان خواهد نمود چرا که کودک به دلیل برطرف شدن تمام و کمال نیازهایش در خانواده، در هنگام مواجهه با مسایل مختلف زندگی ناتوان بوده و اضطرابی مخرب در او ایجاد می‌شود که می‌تواند مانعی در راه پیشرفت و رشد فردی و اجتماعی او ایجاد کند. چنین کودکانی به مقررات اجتماعی و رعایت آداب اخلاقی کمتر پایبند بوده و به دلیل عادت کردن به آزادی مطلق و به عبارتی هرج و مرج گرایانه، قادر به کنترل خود و هدایت رفتارشان در شرایط مختلف نیستند. در عین حال نباید از یاد برد که اعطای اختیارات تام و غیراصولی به کودکان و برطرف کردن آنی تمام خواسته‌های آنان، جسارت آنها را برای انجام کارهای سخت و محک زدن خود در شرایط متفاوت از بین می‌برد و چه بسا همین امر به سرکوب استعداد و توانایی‌های بالقوه آنها منجر گردد. پس بیایید با مطالعه و توجه بیشتر به مسایل تربیتی، خانواده‌هایی کودک محور، عشق‌سالار و آینده‌نگر داشته باشیم. ▲